

آثار بصیرت از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام با توجه به بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام

نسترن بهرمان^۱

سمیه صفری زاد^۲ (نویسنده مسئول)

چکیده

باتوجه به اینکه نقشه‌های مکرر دشمنان برای نابودی جامعه اسلامی است، پس مسلمانان به عنوان یک سلاح، نیاز به بصیرت دارند. حضرت امام علی علیه السلام در خطبه‌های متعددی از بی‌بصیرتی کوفیان گله مند بوده و از آثار آن به مردم تذکر می‌دادند. اگر انسان بصیرت نداشته باشد، توان تشخیص حق و باطل از او سلب و یا بسیار مشکل می‌شود. در این مقاله به بررسی آثار بصیرت از منظر قرآن و بیانات گهربار مولای متقیان و با اشاره‌ای به سخنان مقام معظم رهبری علیه السلام پرداخته شده است. بصیرت موجب تعالی و کمال دیدگاه انسان نسبت به خود و خالق و هستی می‌شود و تسریع حرکت در مسیر حق را میسر می‌سازد. در این راستا مقام معظم رهبری حفظه الله، در بیانیه گام دوم می‌فرمایند: برای برداشتن گامهای استوار در آینده، باید

۱. دانش پژوه دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش قرآن و متون، دبیر انجمن علمی - دانشجویی.

Na.bahreman@gmail.com

۲. سطح دو حوزه علمیه خواهران مرکز آموزش‌های غیر حضوری قم قم. (نویسنده مسئول) Email: s.safaru

@ mailiran.ir

گذشته را درست شناخت، و با این بیان به جوانان تذکر می‌دهند که بصیرت کسب نموده و از تجربه‌ها بهره ببرند. از نتایج ارزشمند بصیرت؛ عبرت‌آموزی، عزت‌آفرینی و پایداری در راه حق است. این پژوهش به روش توصیفی، تحلیلی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: آثار بصیرت، دیدگاه حضرت علی علیه السلام، گام دوم انقلاب اسلامی، عبرت‌آموزی

مقدمه

انسان همیشه در زندگی اجتماعی و سیاسی آستن حوادث گوناگونی است که باید راه درست را از غلط تشخیص دهد و حوادث را تجزیه و تحلیل نماید تا بتواند از راه حق منحرف نشده و در راه درست گام بردارد. تجزیه و تحلیل برخی از این حوادث کار دشواری نیست. با کمک بصیرت، حق از باطل تمیز داده می‌شود و انسان به راحتی می‌تواند در مسیر حق گام بردارد. اما در برخی حوادث حق و باطل به هم آمیخته می‌شوند و تشخیص آن دشوار می‌شود. خداوند برای دستیابی تجزیه و تحلیل درست انسان از حوادث و درک معنویات وسیله‌ای به نام بصیرت در وجود او قرار داده که مهم‌تر و بالاتر از بصر (بینایی چشم) است که فقدان و نبود این بصیرت باعث تحجر و پیروی کورکورانه و عوام اندیشی است. بهره‌مندی از نعمت بصیرت آثار و برکات فراوانی را با خود به همراه دارد. حضرت علی علیه السلام به این آثار اشاره می‌کنند که در این مقاله به برخی از آن اشاره شده است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی، تحلیلی می‌باشد.

مقاله حسین نمازی، با عنوان: علی در آینه نهج‌البلاغه، در بخشی از مقاله به لزوم آگاهی و بصیرت در حراست و پاسداری اصول و ارزش‌های ناب اسلامی اشاره نموده است اما آثار بصیرت از دیدگاه امام بررسی نشده است که در این مقاله به آن پرداخته شده است. همچنین چند مقاله دیگر موضوع بصیرت از نگاه اسلامی و دینی پرداخته‌اند اما مقاله‌ای با عنوان آثار بصیرت از دیدگاه امیرالمؤمنین "با توجه به بیانات مقام معظم رهبری" یافت نشد.

بصیرت در حقیقت بررسی موشکافانه همه ابعاد دور و نزدیک یک مسئله و فراهم آوردن یک معرفت ویژه نسبت به آن، به منظور ارزیابی واقعی و ژرف از آن مسئله می‌باشد، به طوری که هیچگونه تردید و تزلزل در آن راه نیابد. در این پژوهش پس از بررسی مفاهیم اولیه و چینش مقدماتی برای ورود به بحث، به آثار بصیرت از منظر قرآن و دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام پرداخته و با اتکا به بیانات مقام معظم رهبری در تبیین ثقلین، بحث به پایان رسیده است.

مفهوم شناسی بصیرت

بصیرت در لغت: به معنای عبرت، ثبات در دین، حجت و استبصار در چیزی، علم و خبره، زیرکی و گواه، و همچنین به معنای عقیده قلب و یقین می باشد. (دهخدا، ۱۳۷۶: ۱۲۴/۱)

واژه «بصیرت»، از ماده «بصر» به معنای بینایی، بینش دل، علم به چیزی، درستی و زمختی، سختی، حجت و عقیده قلبی است. (الفیومی، ۱۴۱۴: ۵۰)

بصیرت در اصطلاح

الف) آشکارکننده و روشن کننده

بصیرت به معنای آشکارکننده مورد استفاده قرار گرفته است. با نگاهی به ماده بصیرت آشکار کنندگی به وضوح معلوم می شود همانطور که روز پر از آشکارکننده و روشن کننده است. (محمد بن مکرم، ۱۴۱۴: ۶/۱) راغب اصفهانی نیز در مفردات، یکی از معانی بصیرت را روشنی بخش تعریف کرده یعنی روز، روشنی بخش دیدگان است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴: ۱۱۱)

ب) بینه، علت، برهان

در بعضی از متون دیده شده که بصیرت به معنای بینه جدایی بخش حق از باطل به کار رفته است مانند این آیات الهی و کتاب آسمانی که سبب بصیرت شماسست. (همان، ۱۴۷) یعنی بصیرت به معنی برهان هم آمده است و اصل آن روشن بودن چیزی است (البصیره: البرهان و اصل ذلک وضوح الشی). بصیرت، چشم بینای دل و نورافکن قوی برای تشخیص حق از باطل است. (ابن فارس، ۱۴۱۴: ۱۱/۱) بصیرت به معنای هوش و زکاوت و زیرکی نیز به کار می رود. (خوئی، ۱۴۱۴: ۲۱۲/۹) و آن را فراست راستین نیز می گویند یعنی زیرکی راستین و صادقانه، زیرکی است که همراه بصیرت باشد. (فرهنگ نامه بصیرت، ۴۲)

ج) بصیرت در نگاه مقام معظم رهبری

بصیرت عامل جلوگیری از «گمراهی» است: «بصیرت یعنی گم نکردن راه، اشتباه نکردن راه، دچار بیراهه‌ها و کجراهه‌ها نشدن، تأثیر نپذیرفتن از وسوسه‌ی خناسان و اشتباه نکردن کار و هدف». (بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی (۹۰/۱۰/۱۹) : <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18496>) «بصیرت، نورافکن است؛ بصیرت، قبله‌نما و قطب‌نماست... در یک فضای تاریک، بصیرت روشنگر است. بصیرت راه را به ما نشان می‌دهد. (بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم ۸۹/۸/۴) : <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10456>) هم چنین معظم له در بیانات خود در دیدار فرماندهان می‌فرمایند: «بدون بصیرت بزرگ‌ترین اشتباهات در «تشخیص جبهه‌ی حق از باطل» رخ می‌دهد: «در ماجرای دفاع از دین، از همه چیز بیشتر، برای انسان، بصیرت لازم است. بی‌بصیرتها فریب می‌خورند. بی‌بصیرتها در جبهه‌ی باطل قرار می‌گیرند؛ بدون این‌که خود بدانند) بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا ۷۱/۴/۲۲) : <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2627>

اشتباه‌های کوچک، قابل بخشش است. آن اشتباهی که قابل بخشش نیست، این است که کسی جبهه‌ی حق را با جبهه‌ی باطل اشتباه کند و نتواند آن را بشناسد. سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم (روز سی‌ام ماه مبارک رمضان) ۶۹/۲/۶) : <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2300>

بصیرت در واقع مجموعه‌ای از شناخت‌ها است: «بصیرت، روشن‌بینی. یعنی چه؟ یعنی شناخت زمان، شناخت نیاز، شناخت اولویت، شناخت دشمن، شناخت دوست، شناخت وسیله‌ای که در مقابل دشمن باید به کار برد؛ این شناخت‌ها؛ بصیرت است» (بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین ۹۳/۹/۶) : <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28344>

خاستگاه بصیرت

خاستگاه‌های بصیرت به دو دسته: درونی و بیرونی تقسیم میشوند.

خاستگاه‌های درونی بصیرت، یک نیرویی است در وجود انسان که به وسیله آن انسان قادر است حق و باطل را از هم و سود و ضرر دنیوی و اخروی را از هم تشخیص دهد. که فطرت و سرشت انسانی را یکی از خاستگاه‌های درونی می‌توان به شمار آورد. فطرت انسان اگر با گناهان و پلیدی‌ها آلوده نشده باشد. چون از اول بر مدار خدا شناسی بوده به راحتی می‌تواند حق را از باطل تشخیص دهد. خداوند در این مورد در قرآن می‌فرماید: "نفس انسان را به نیکویی بیافرید و خیر و شرش را به او یاد داد" (شمس، ۷-۸). پس با توجه به این آیه نتیجه می‌گیریم فطرت پاک یکی از ابزاری است که می‌تواند در راه افزایش بصیرت به ماکمک کند.

خاستگاه بیرونی بصیرت خود دو قسم دارد: معجزه پیامبرگرمی اسلام، قرآن و کردار و گفته‌های معصومین علیهم السلام را در برمی‌گیرد. و مورد دوم نیز مواردی همچون کمک‌های غیبی خداوند را که در نتیجه اجرای تعالیم انبیا در زندگی، موجب تقویت نیروی بصیرت می‌شوند در خود جای می‌دهد (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۲۰/۲۹۷).

- معجزه پیامبر اسلام قرآن است که باید با تدبیر در آن، آن را احیاء نمود. «قرآن راهنمایی مناسب برای شیوه زندگی درست بندگان است کسی که با قرآن انس داشته باشد و در آن تدبیر کند قطعاً با کمک خداوند خیر و شر را به خوبی تشخیص خواهد داد. پیامبر گرمی اسلام در این مورد می‌فرمایند: "قرآن کریم انسان را از گمراهی‌های می‌بخشد و قلب انسان را به وسیله حقیقت روشن می‌کند". (عیاشی، ۱۴۱۴: ۱/۵۶).

دین اسلام کامل‌ترین دین برای انسان‌هاست که قوانین بسیار کامل و جامعی را در خود جای داده است و در صورتی که دستورات دین مبین اسلام به خوبی اجرا شود انسان هیچگاه گمراه نخواهد شد و حق را گم نخواهد کرد (کلینی، ۱۴۱۴: ۲/۴۹). حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «خداوند تبارک و تعالی شریعت اسلام را مقرر داشت و راه نوشیدن آب زلالش را بر تشنگان، آسان و هموار ساخت و ارکان آن را در برابر کسی که بخواهد با آن بجنگد، استوار گردانید و برای کسی که از آن پیروی کند، مایه عزت قرارش داد و برای کسی

که مصمم باشد». (همان، ۵۰)

- مدد الهی: اگر انسان خود به دنبال راه درست باشد و بخواهد در مسیر درست گام بردارد و حقیقت را بشناسد قطعاً خداوند متعال در این راه او را کمک خواهد کرد تا تلاش‌هایش بی‌ثمر نماند و بتواند به نتیجه درستی دست پیدا کند امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «خداوند متعال، گاه نشانه‌ای را برای مؤمنی نمودار می‌سازد تا بر بصیرت او بیفزاید و برای کافر تا عذر و حجت را بر او تمام‌تر سازد. (مجلسی، ۱۴۱۴: ۳۱۱/۲۴) با بصیرت است که انسان فهم صحیحی از «حقایق» پیدا می‌کند، مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «بصیرت این است که انسان بداند، حقایق را درک کند، جایگاه خودش را، جایگاه کشورش را، جایگاه ملتش را، جایگاه منطق انقلاب را، جایگاه آن خط مستقیم و صراط مستقیمی که امام در کشور ترسیم کرد؛ جایگاه اینها را بداند؛ این، بصیرت است» (بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج ۹۴/۹/۴) (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31519>)

۱. آثار بصیرت از منظر قرآن

پیامبر گرامی اسلام صلوات الله علیه وقتی به پیامبری مبعوث شدند راهی را به انسان معرفی کردند که به صراط مستقیم معروف است و از همه در خواست کردند که به آن قدم بگذارند، راهی است که بر پایه بصیرت استوار است که اگر بصیرت نباشد انسان وارد وادی کفر و جهالت می‌شود. بصیرت آن دیده‌ای نیست که با آن همه جا را می‌توان مشاهده کرد بلکه دیده دومی وجود دارد که در قلب و باطن وجود دارد و این همان دیده حضوری و شهودی است. همه بدون استثنا در قیامت به آن دست پیدا می‌کنند و آثار و نتایج اعمال خود را می‌بینند هر چند گناهان خود را انکار کنند و یا سعی بر عذرخواهی داشته باشند. اما جایگاه بصیرت به اینجا ختم نمی‌شود بلکه بعضی انسان‌ها با خلوص نیت و پرهیزگاری به درجات و مقاماتی می‌رسند و چیزهایی را درک می‌کنند که دیگران قادر به درک این مقام‌ها نیستند. این مقام‌ها همان آثار بصیرت است. (اقتباس از مقاله حسین نمازی با عنوان

علی علیه السلام در آینه نهج البلاغه)

۱.۱ سنجش مسائل

در قرآن به ارتباط تدبیر و بصیرت اشاره شده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «نابینا و بینا با هم یکی نیستند و همچنین مرده و زنده چون کسی که نابیناست در مقابل خود نوری ندارد که حقیقت را ببیند پس گمراه می‌شود و ممکن است خود را به هلاکت بیفکند». (فاطر/ ۱۹ - ۲۲) «انسان در حوادثی که پیرامون او می‌گذرد و در حوادثی که پیش روی اوست و به او ارتباط پیدا میکند، تدبیر کند؛ سعی کند از حوادث به شکل عامیانه و سطحی عبور نکند؛ به تعبیر امیرالمؤمنین، اعتبار کند: «رحم الله امرء تفکر فاعتبر»؛ فکر کند و بر اساس این فکر، اعتبار کند. یعنی با تدبیر، مسائل را بسنجد - «و اعتبر فأبصر» - با این سنجش، بصیرت پیدا کند. حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آنها تدبیر کردن، در انسان بصیرت ایجاد میکند؛ یعنی بینائی ایجاد می‌کند و انسان چشمش به حقیقت باز می‌شود.» (بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم ۸/۴/۸۹) (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10456>)

۲.۱ پی بردن به قدرت الهی (نگاه توحیدی)

کسی که با نکته سنجی ودقت راهی را انتخاب می‌کند باعث می‌شود که در دام هلاکت نیفتد و در صراط مستقیم قدم بردارد وقتی انسان وارد صراط مستقیم شد و از شیطان دوری جست، نفسش و روحش از آلودگی پاک شد به خدا نزدیک‌تر می‌شود چون معرفت و شناخت او نسبت به خدا به وسیله تامل در نعمت‌های خدا بیشتر می‌شود.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَلِيلٍ تُسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ». (قصص/ ۷۲) بگو به من خبر دهید که اگر خداوند، روز شما را تا روز رستاخیز جاودان بدارد، کدام خدایی غیر از «الله» برای شما شب خواهد آورد تا در آن آرامش (و آسایش) یابید؟ پس آیا نمی‌نگرید؟».

از این آیه این برداشت حاصل می‌شود که این گردش شب و روز که منظم و بروی اصول

خاصی است پس کسی هست که به آن نظم بخشیده و آن خداوند یکتاست و انسان با تامل در نشانه‌های وجود خداوند به وجود خداوند یکتا پی می‌برد و به توحید متصل می‌شود. در سطح اصولی باید رسیدن به «نگاه توحیدی» و تلاش منطبق با این نگاه را در دستور کار قرار دهیم: «یک سطح، سطح اصولی و لایه‌ی زیرین بصیرت است. انسان در انتخاب جهان بینی و فهم اساسی مفاهیم توحیدی، با نگاه توحیدی به جهان طبیعت، یک بصیرتی پیدا می‌کند. فرق بین نگاه توحیدی و نگاه مادی در این است: با نگاه توحیدی، این جهان یک مجموعه‌ی نظام مند است، یک مجموعه‌ی قانون مدار است. این، پایه‌ی اساسی معرفت است؛ پایه‌ی اساسی بصیرت است. این بصیرت خیلی چیز لازمی است؛ این را باید ما در خودمان تأمین کنیم.» (بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم ۸۹/۸/۴) (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10456>)

۲. آثار بصیرت از منظر امام علی علیه السلام

۱۰۲ عبرت آموزی

اگر انسان اهل عبرت‌گیری شود، در برابر خود عرصه‌های متنوعی را برای عبرت می‌یابد و زندگی و تحولات آن، و دنیا و دگرگونی‌های آن، و گذشتگان و سرنوشت آنان را عین عبرت می‌بیند و از آن ره توشه می‌گیرد. (بهرمان؛ ۴۴/۱۳۹۷) حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «أَوَلَيْسَ لَكُمْ فِي آثَارِ الْأَوَّلِينَ مُزْدَجَرٌ، وَ فِي آبَائِكُمُ الْمَاضِينَ تَبْصِرَةٌ وَ مُعْتَبَرٌ، إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ! أَوْلَمْ تَرَوْا إِلَى الْمَاضِينَ مِنْكُمْ لَا يَرْجِعُونَ، وَ إِلَى الْخَلْفِ الْبَاقِينَ لَا يَتَّقُونَ». آیا در احوال گذشتگان پند و عبرتی نیست؟ آیا نمی‌بینید که گذشتگان شما باز نمی‌گردند و شما نیز جاودان نخواهید ماند؟ (نهج البلاغه، خطبه ۲۲) در این فرمایش حضرت علی علیه السلام یک هشدار نهفته است که شخص را بیدار کند و او را متوجه کند که دنیا پایدار نیست و پیشینیان در دنیا نمانده‌اند و شما هم نخواهید ماند. دنیا محل مناسبی برای آزمون و خطا برای انتخاب راه درست نیست پس انسان بصیر با تفکر در گذشته مسیر رسیدن به حق را برای خود کوتاه می‌کند.

حضرت علی علیه السلام یک نکته زیبا درباره عبرت می فرماید: «فَمَنْ تَبَصَّرَ فِي الْفِطْنَةِ تَبَيَّنَتْ لَهُ الْحِكْمَةُ وَ مَنْ تَبَيَّنَتْ لَهُ الْحِكْمَةُ عَرَفَ الْعِبْرَةَ» کسی که هوشیار و بینا باشد حکمت و دقایق امور برایش روشن می شود و کسی که دقایق امور و حکمت برایش روشن شود عبرت فرا می گیرد». (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۱)

ابن میثم درباره تفسیر این حکمت می گوید: «حضرت در این حکمت پایه های اساسی ایمان و شاخه های فرعی آن را معرفی کرده است و همچنین نتیجه حاصل شده بر آن را تعریف و تبیین کرده است و همچنین اصل و فرع کفر و شاخه های آن را معرفی کرده است که شاخه های یقین به قرار زیر است.

۱. خوب دیدن در عین هوشیاری یعنی به دست آوردن دقیق حقیقت به وسیله حواس پنج گانه بر جان انسان وارد می شود.

۲. دقت کردن و توجه به حق و توضیح و توجیه آن با دلایل قانع کننده و ملکه کردن اخلاق پسندیده در نفس.

۳. پند گرفتن از کارهایی که قبل پند گرفتن هستند.

۴. تحلیل و بررسی روش پیشینیان به صورتی که گویی با آنها زندگی می کرده و آن ها را از نزدیک دیده است». (بحرانی، ۱۴۱۴: ۲۵۵/۵)

در خطبه دیگر نهج البلاغه حضرت علی علیه السلام فرموده اند: «همانا بینا کسی است که بشنود و بیندیشد و بینش یابد و از آن چه مایه عبرت است بهره گیرد. سپس در راه های روشن قدم بردارد و از آن چه مایه سقوط در وادی هلاکت و افتادن در شبهات گمراه کننده است دوری کند». (مجلسی، ۱۴۱۴: ۱۱۶/۶۱) حضرت علی علیه السلام در این فرمایش زیبا به این نکته تاکید دارند که انسان باید به زندگی صالحان و ستمگران گاه کند و در عاقبت هر کدام بیندیشد و راه درست را انتخاب کند. «در حوادث گوناگون هم ممکن است بصیرت و بی بصیرتی عارض انسان شود. انسان باید بصیرت پیدا کند.» (بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان

استان قم ۸/۴/۸۹) (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10456>)

۲.۲ عزت و سربلندی

وقتی انسان بصیرت و زیرکی داشته باشد سعی می‌کند پیرو ولایت فقیه و امامان خویش باشد و در دام مکر دشمنان خدا گرفتار نیاید و راهی را انتخاب می‌کند که به مسیر ولایت و خط امامش ختم می‌شود چنین کسی بی‌شک چون راه درستی را در پیش گرفته و شیطان را در اجرای نقشه‌هایش مایوس ساخته و هوا و هوس را در درون خود کشته است و در صراط مستقیم در نزد امام و ولایت و مردم عزیز و بزرگوار خواهد بود ولی به عکس کسی که راه هوا و هوس را در پیش گرفته و شیطان را به فرماندهی خویش انتخاب کرده در گمراهی فرو خواهد رفت و ذلیل خواهد بود.

حضرت علی علیه السلام در کلامی گهر بار می‌فرماید: «علم و دانایی عزت است و طاعت کبریایی حرز و پناه است از مهالک دنیا و شدائد آخرت» و همچنین می‌فرماید: «از برای طالب علم عزت دنیا و پیروزی آخرت است». (بحرانی، ۱۴۱۴: ۳/۲۱۵) در ماجرای کربلا این موضوع به وضوح قابل مشاهده است. با این که یاران امام حسین علیه السلام بسیار اندک‌تر از سپاه چند هزار نفری یزید بودند ولی با این حال دیده می‌شود که اصحاب اندک امام حسین علیه السلام نزد مردم ارزش دارند چون مردم فهمیده‌اند آن‌ها راه حق را بر گزیده‌اند و به یاری امامشان رفته‌اند ولی سپاهیان یزید در مقابل حقیقت ایستاده و به جنگ امامشان رفته‌اند.

۳.۲ بی‌توجهی به دنیای بما هو الدنيا

وقتی خداوند انسان را آفرید صراط مستقیم را به او نشان داد و از طریق پیامبران او را دعوت به راه راست نمود انسان فهمید که برای رسیدن به مقصود باید بر نفس خویش مسلط باشد و افسار شهوت‌ها و زیاده‌خواهی خود را بکشد و این هدف جز با نگاه به آخرت و تربیت روح و نفس ممکن نیست زیرا انسان به شدت محدودیت‌گریز است و هر چیزی که محدودش کند او را در سختی می‌اندازد اما برای کسی که می‌داند راهش درست است و با نظر به آخرت پیش می‌رود، راه هموار می‌شود، ولی اگر صرفاً طالب دنیا برای دنیا و نه دنیا برای آخرت باشد، هلاکت او نزدیک است.

حضرت علی علیه السلام درسخنی گهربار می فرمایند: «هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ وَ بَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ وَاسْتَلَانُوا مَا اسْتَوْعَرَهُ الْمُتَرَفُونَ وَ انْسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ وَ صَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانٍ اِرْوَاحُهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى». علم و دانش با حقیقت و بصیرت به آنها روی آورده، و روح یقین را لمس کرده اند و آن چه دنیا پرستان هوس باز مشکل می شمردند بر آنها آسان است. آن ها به آن چه جاهلان از آن وحشت دارند انس گرفته اند. در دنیا با بدن هایی زندگی می کنند که ارواحشان به جهان بالا پیوند دارد» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷). شوشتری در توضیح این روایت احادیثی ذکر نموده است که به این نکته اشاره دارند کسانی که بصیرت دارند چنان از ولایت و امام زمان عجل الله پیروی می کنند که گویی او را می بینند. (شوشتری، ۱۴۱۴: ۲/۵۳۱)

در جنگ جمل، طلحه و زبیر از یاران پیامبر بودند که در راه اسلام مجاهدت های زیادی داشتند به طوری که زبیر را سیف الاسلام می نامیدند وقتی حضرت علی علیه السلام به حکومت رسید این دو نفر خواهان سهم زیادی از حکومت شدند و به حضرت علی علیه السلام اعتراض کردند ولی حضرت با آنها مخالفت کردند و فرمودند طبق سنت رسول خدا صلوات الله علیها حکومت خواهند کرد. معاویه از حس دنیا طلبی آن دو آگاه شد و نامه ای به آنها نوشت و آنها را ضد حضرت تحریک نمود. آن دو به بهانه حج عمره راهی مکه شدند. عایشه هم وقتی موقعیت را مناسب دید به آنها پیوست و این گونه اولین فتنه جنگ علیه حضرت علی علیه السلام کلید خورد در این باره حضرت علی علیه السلام در مسجد کوفه سخنانی داشتند از جمله این که «بدانید که همانا شیطان، حزب خود را جمع کرده و سواره نظام و پیاده نظام لشکرش را فراهم کرده است همانا من بصیرتی دارم که از من جدا نمی شود. حق را بر خود نپوشیده ام و آن هم بر من پوشیده نشده است. سوگند به خدا، برای آنان حوضی را پر کنم که خود آب آن را بکشم به طوری که هر که در آن حوض درآید به هلاکت رسد و هر که از آن حوض بیرون آید دیگر به سوی آن باز نگردد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰)

در این خطبه حضرت علی علیه السلام به این نکته اشاره دارد که دنیا طلبی باعث شده آن ها از

بصیرت به دور باشند و هم حزب شیطان شوند ولی او خود را فردی بصیر معرفی می‌کند که با قوای بصیرت به جنگ قوای شیطان می‌رود. این سخنان نشان می‌دهد برای نبرد موفق با دشمنان اسلام بصیرت یکی از مهم‌ترین مولفه‌هاست شخص بی‌بصیرت در مقابل حيله و مکرهای دشمن و شیطان راه مقابله درستی ندارد و براین نکته تاکید دارد که شیطان هم پیروانی دارند که راه بصیرت را بر انسان می‌بندد و ممکن است انسان به خطا برود و به همین خاطر حضرت لشگریان دشمن را لشگر شیطان نامید زیرا دنیا طلبی چشم آن‌ها را کور و وادار به مقابله با حقیقت کرده است. اسلام در این نگاه به انسان به عنوان یک فرد، توصیه می‌کند زهد بورزد. زهد یعنی دل‌باخته و دل‌بسته‌ی دنیا نشود؛ اما در عین اینکه توصیه به زهد می‌کنند، قطع رابطه‌ی با دنیا و کنار گذاشتن دنیا را ممنوع می‌شمارند. (بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد (۸۶/۲/۲۵)) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3383> نکته آن که کسی موفق به نبرد موفقیت آمیز با دشمن می‌شود که در درون خود حق و باطل را با هم مخلوط و مشتبه نکرده باشد (بصیرت داشته باشد) و تفکری صحیح از حقیقت داشته و در راه حق گام‌های قوی و استوار بردارد.

۴.۲ استواری در راه حق

انسان وقتی به درست بودن و حقیقی بودن چیزی اعتقاد دارد سعی بر آن دارد که در انجام آن کار پافشاری کند و آن را به خوبی انجام دهد حضرت علی علیه السلام خود از شجاعت و هیبت بی‌نظیری برخوردار بود به طوری که دشمنان او را می‌دیدند لرزه بر اندامشان می‌افتاد و هیچ‌کس توانایی مقابله با او را نداشت در تاریخ نمونه‌هایی از این شجاعت دیده می‌شود مانند جنگ خیبر که در تاریخ شجاعت حضرت علی علیه السلام با این عبارات آورده شده است، تاریخ یعقوبی درب قلعه خیبر را که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از جای برکنند بدین صورت وصف می‌نماید: «علی مرحب یهودی را کشت و درب قلعه را که سنگی بود به درازای چهار ارش، در پهنای دو ارش، در بلندی یک ارش از جا کند. علی بن ابی‌طالب آن را پشت سرش

انداخت و به قلعه درآمد و مسلمانان نیز وارد قلعه شدند». (۲۴). هاشمی خویی، ۱۴۱۴: ۳۲۵/۱۰) اسناد روایی از لیث بن ابی سلیم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است: جابر بن عبدالله به من گفت که علی علیه السلام روز خیبر درب را برداشت و مسلمانان توانستند از آن بگذرند و به قلعه هجوم برند و آن را فتح کنند و خواستند آن درب را بعد از آن واقعه حرکت دهند ولی چهل مرد نتوانستند آن را بردارند. همچنین به صورتی دیگر از جابر روایت شده است: سپس هفتاد مرد بر آن در جمع شدند و تلاششان آن بود که در را برگردانند ولی از انجام آن بازماندند. (مجلسی، ۱۴۱۴: ۱۲/۲۱) متقی هندی در «کنز العمال» از «جابر بن سمره» روایت کرده‌اند که نقل شده است: علی علیه السلام در روز خیبر درب را بلند کرد و مسلمانان از روی آن به بالای قلعه صعود کردند و قلعه را فتح نمودند، بعدها آن را تجربه کردند که کمتر از چهل نفر نتوانستند آن را بردارند. (متقی هندی، ۱۴۱۴: ۳۹۸/۶)

این‌ها تنها یک نمونه کوچکی از شجاعت‌ها حضرت علی علیه السلام است که عرض شد و مجال گفتن بقیه موارد در این مقاله نیست. این شجاعت‌ها نشان دهنده این است که کسی که بصیرت دارد و حق را شناخته و راه بد را از خوب تشخیص داده است و می‌داند راهی است واقعی که او را به سمت هدایت سوق می‌دهد در این راه ترسی به خود راه نمی‌دهد و در راه حق پایدار است مانند شجاعت جوانان ما در هشت سال دفاع مقدس که با دست خالی در راه حق پایداری کردند و ولایت فقیه را حق یافتند. و در این راه از جان‌شان گذشتند و همچنین مدافعان حرم ولی اگر در مقابل دشمنان را مقایسه کنید دارای روحیه بسیار ضعیف و ترس از دست دادن جان به آن‌ها سایه افکنده است طوری که در هشت سال دفاع مقدس با آن امکاناتی که داشتند شکست خوردند چرا که در مسیر حق بودن خود تردید داشتند و نمی‌توانستند در کار خود پایداری کنند و شجاعت به خرج دهند. کسی که بصیر است هوشمندانه عمل می‌کند و کاری را بدون سنجیدن عاقبت و عواقب آن و درست یا نادرست بودن آن انجام نمی‌دهد و قبل از هرکاری با فکر و تامل پیش می‌رود و هر حرفی را بدون تحقیق قبول نمی‌کند. حضرت علی علیه السلام در یک کلام می‌فرمایند ثمره بصیرت،

زیرکی و هوشمندی است تیز هوشی به بصیرت است. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۴: ۱/۱۱۱) مقام معظم رهبری درباره استواری مردم در راه حق می‌فرمایند: همه چیز در سایه‌ی عزم مردم، تصمیم مردم، بصیرت مردم، و ایمان مردم در این کشور می‌تواند در مجرای صحیح خودش قرار بگیرد و کشور را به نقطه‌ی مطلوب خودش برساند. (بیانات در ابتدای درس خارج فقه، ۹۸/۶/۲۶) (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43473>)

۲. ۵ اصلاح نفس

به طور معمول افراد خود را عاری از عیب می‌دانند ولی همیشه عیب‌های دیگران را زیر ذره بین قرار می‌دهند و آن‌ها را فاش می‌کنند اما شخص آگاه و رشد یافته و بصیر می‌داند که هر کس ممکن است عیب‌هایی داشته باشد چون انسان معصوم و بی‌عیب نیست پس به این نتیجه می‌رسد که به جای اینکه در جستجوی عیب‌های دیگران باشد که برای او حاصلی جز دشمنی ندارد و برای او کمکی نمی‌کند عیب‌های خویش را جستجو کرده و سعی در اصلاح نفس و عیب‌های خود دارد. زیرا می‌داند که فقط پاسخ‌گوی عیب‌های خود خواهد بود و عیب‌های دیگران را جستن وظیفه او نیست حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «بیناترین مردم، کسی است که عیب‌های خود را ببیند و از گناهان خویش دست شوید». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۴: ۱/۱۱۷) خودسازی سبب می‌شود که انسان در درون خود به تعادل برسد قوای نفسانی خود را تعدیل کند و خویش را از بند دلبستگی‌ها و اسارت دشمنان گوناگون داخلی (نفس اماره) و خارجی (شیطان) برهاند. و به اختیار خود به آزادی برسد و مالک نفس خود شود. (بهرمان؛ ۱۹/۱۳۹۵) حضرت می‌فرمایند: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَنْدُبْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ» (سیدرضی، قصار ۷۳) خودمان، خودمان را بایستی دانه دانه تأدیب و تربیت کنیم تا ان شاء الله مفید باشیم. (بیانات در دیدار و عمامه‌گذاری جمعی از طلاب به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، ۶۸/۱۰/۲۶) (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2249>) و این تربیت باعث بوجود آمدن بصیرت شده و انتقال این بصیرت به دیگران از آثار فرد با بصیرت

می باشد.

۲. ۶ آگاهی از فتنه‌ها و دشمنی‌ها

کسانی که اندیشه سالم دارند و دارای روحیه تفکرگرایانه و بصیر هستند می‌توانند دشمنی‌ها و فتنه دشمن و نقشه‌های آنان را درک کرده و به مقابله با آن برخیزند. امیر بیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «رازهای پنهان بر اهل بصیرت چهره می‌گشاید و راه حق بر گمراهان آشکار شده است». (سید رضی، خطبه ۱۰۸) از این سخن این نکته قابل برداشت است، کسی که اهل بصیرت است راه حق را به خوبی و بدون گمراهی می‌تواند پیدا کند. پس؛ تنها با بصیرت است که می‌توان از «فتنه»ها عبور کرد مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «یک ملّتی که بصیرت دارد، مجموعه‌ی جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم برمی‌دارند، همه‌ی تیغهای دشمن در مقابل آنها کند می‌شود. بصیرت این است. بصیرت وقتی بود، غبارآلودگی فتنه نمی‌تواند آنها را گمراه کند» (بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر ۸۸/۷/۱۵) (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8178>)

۲. ۷ کسب خوش نامی

کسی که حقیقت را می‌شناسد و در راه حقیقت قدم برمی‌دارد به طور قطع مورد رضایت خداوند و امام معصوم قرار می‌گیرد و کسی که مورد رضایت آن‌ها باشد در نزد مردم هم عزیز و بزرگوار خواهد بود در کلام حضرت علی علیه السلام نیز به این موضوع اشاره شده است: «ای کمیل آشنایی با دانش، خود دیانت است. بدان وسیله پاداش داده می‌شود، و بدان وسیله اطاعت خدا در زندگی این دنیا و خوش نامی پس از مرگ نصیب انسان می‌گردد». (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷) حضرت به این نکته نیز اشاره دارد که این خوش نامی نه تنها دردنیای بلکه در آخرت نیز همراه او خواهد بود. پس یکی از آثار بصیرت خوشنامی در دنیا و آخرت است.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار به آثار بصیرت از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام با توجه به بیانات مقام معظم رهبری حفظه الله پرداخته شده است که نتایج ذیل به دست آمده است:

۱. واژه بصیرت از ماده (بصر) به معنای دیده دل و معیار و وسیله جدایی حق از باطل می‌باشد. که جدای از بینایی جسم است. با توجه به آیات و روایات، واژه بصیرت، به معنای آگاهی، شناخت عمیق و اطمینان بخشی است که به انسان توانایی درک حقایق و پشت پرده حوادث را می‌دهد؛ به گونه‌ای که راه حق از باطل را تشخیص می‌دهد و از بحران‌ها و فتنه‌ها به سلامت عبور می‌کند.

۲. عوامل درونی و بیرونی متعددی برای بصیرت وجود دارند که در به وجود آمدن و تقویت بصیرت در انسان نقش دارند از جمله: توجه به قرآن، فطرت انسان و یاری خداوند با توجه به آیاتی که تذکر داده شده است. و دین اسلام که کامل ترین دین است به وسیله دستورات دقیقش و فطرت خدا جوی انسان به خاطر ترقیب برای قدم برداشتن در راه حق البته به شرطی که سر کوب نشده باشد و توفیقات خداوند بر تشخیص مسیر حق در این تقویت و ایجاد بصیرت موثرند.

۳. داشتن بصیرت آثار بسیار مهمی را برای انسان در پی دارد که نشان دهنده این است که پیدا کردن حق و حقیقت بدون داشتن بصیرت مشکل و حتی ناممکن خواهد بود. که این آثار از نگاه قرآن و حضرت علی علیه السلام و با توجه به سخنان معظم له مورد بررسی قرار گرفت که آثار بصیرت عبارتند از: ۱. سنجش مسائل

۲. پی بردن به قدرت الهی (نگاه توحیدی) عبرت آموزی، بی‌توجهی به دنیای بما هو الدنیا، استواری در راه حق، اصلاح نفس، آگاهی از فتنه‌ها و دشمنی‌ها، کسب خوش نامی است.

فهرست منابع

- قرآن کریم (ترجمه الهی قمشه ای)
نهج البلاغه (ترجمه دشتی)
۱. عبدالحمید بن هبة الله، ابن ابی الحدید، ۱۴۱۴، شرح نهج البلاغه، بیروت، چاپ سوم، دارالصادر.
 ۲. ابن فارس، ابوالحسین، ۱۴۴۳، معجم مقاییس اللغة، بیروت، چاپ دوم، دارالفکر.
 ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴، لسان العرب، بیروت، چاپ سوم، دارالصادر.
 ۴. الفیومی احمد، ۱۴۱۴، المصباح المنیر، قم، چاپ دوم، موسسه دارالهجره.
 ۵. ابن یعقوب ابن احمد، ۱۴۲۱، تاریخ یعقوبی، بی جا.
 ۶. بحرانی، علی بن میثم، ۱۴۳۲، شرح نهج البلاغه بی جا، دفتر نشر کتاب.
 ۷. بهرمان، نسترن، ۱۳۹۵، الزامات اخلاقی برخاسته از ایمان به معاد از منظر نهج البلاغه، تهران، دانشگاه قرآن و حدیث.
 ۸. خوئی، میرزا حبیب الله، ۱۴۳۲، منهاج البراعة، بی جا، بی تا.
 ۹. راغب اصفهانی، حسین بن علی، ۱۴۱۴، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، چاپ اول، بی تا، دارالقلم.
 ۱۰. راوندی، قطب الدین، ۱۱۶۷، الدعوات، قم. مدرسه امام مهدی.
 ۱۱. ربلی، علی ابن موسی، ۱۳۸۱، کشف الغمه، تبریز، چاپ سوم، مکتبه بنی هاشمی.
 ۱۲. صدوق، محمد بن علی، ۱۴۴۷، کمال الدین، قم، چاپ سوم، دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۳. سید رضی، محمد بن الحسین، ۱۴۱۴، نهج البلاغه، قم، بی تا، تصحیح صبحی صالح، موسسه دارالهجره.
 ۱۴. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۸۵، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۴، اعلام الوری، تهران، بی تا، دارالکتب الاسلامیه.

۱۶. علاءالدین علی‌المتقی بن حسام‌الدین الهندی البرهان الفوری، ۱۴۱۴، *کنز العمال*، بیروت، چاپ سوم، مؤسسه الرساله.
۱۷. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۴۳۲، *التفسیر*، بیروت، چاپ سوم، مؤسسه الرساله.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۳۲، *کتاب العین*، قم، چاپ دوم، بی‌تا، هجرت.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۹۰، *فرهنگ‌نامه بصیرت*، مترجم: شیخی، حمید رضا، قم، چاپ سوم، دارالحديث.
۲۰. کلینی، کافی، ۱۴۱۴، ۵، تهران، چاپ دوم. *دارالکتاب الاسلامی*.
۲۱. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۱۴، *بحار الانوار*، بیروت، چاپ سوم، دار احیاء التراث العربی.
۲۲. هاشمی خویی، ۱۴۴۱، *منهاج البراعة*، تهران، چاپ هفتم، دارالکتاب الاسلامیه.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۰، *تفسیر نمونه*، تهران، چاپ هشتم، دارالکتاب الاسلامیه.
۲۴. Khamenei.ir
۲۵. farsi.khamenei.ir